

دین و اخلاق

اوی ساگی
دانیل استاتمن

تحقیق و ترجمه

ابراهیم رضایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)

اصفهان

۱۳۹۵



دین و اخلاق

اوی، دانیل استاتمن

تألیف و ترجمه: ابراهیم رضایی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)
موضوع: مطالعات اسلامی اصفهان
ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه اصفهان
طراح: سعید محمودی نژاد

چاپ: نیکار

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۵

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی: اصفهان، خیابان آیت الله شمس الدین، کوچه سرت، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان.

تلفن و دورنگار: ۰۳۱-۳۲۲۰۸۰۰۱۵

مراکز پخش: اصفهان، تلفن: ۳۲۲۰۳۷۰، قم، تلفن و دورنگار: ۳۷۷۲۳۲۲۶، تهران، تلفن: ۶۶۹۵۱۵۳۴

وبسایت: www.morsalat.com پست الکترونیک: nashr.dif@tci.ir

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

هار - ساگی، اوی (Avi)، تألیف و ترجمه: ابراهیم رضایی؛ تهیه
دین و اخلاق/ مؤلفان اوی ساگی، دانیل استاتمن؛ و تقدیم ابراهیم رضایی؛ تهیه
پروژه‌کننده مطالعات اسلامی اصفهان.

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

۴۶۴ ص: ۱۲/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۰۰۰۰۰-۴

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت: Religion and morality, c1995

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

شناسه افزوده: Statman, Daniel

شناسه افزوده: رضایی، ابراهیم، ۱۳۵۷- مترجم

شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه استان اصفهان

شناسه افزوده: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه استان اصفهان، پژوهشکده مطالعات اسلامی

رده‌بندی کنگره: BJ۴۷/۵۲۹۹ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۲۰۵/۶۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۸۶۱۱۰

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

پیش نوشت مترجم

۱۳	اشاره.....
۱۵	اصول و احکام دین یهود.....
۱۶	کتب مؤثق دین یهود.....
۱۸	حکایت اقوام.....
۲۳	ارزش ارض مقدس.....
۲۹	موضع اعتزالی مؤلفان کتاب.....
۳۴	نقد و نظر مترجم.....
۳۵	نگرش به اخلاق و وجوه آن.....
۴۱	۱. نگرش درون ذات.....
۴۱	الف. وجه مثبت.....
۳۹	ب. وجه منفی.....
۴۲	ج. وجه معتدل.....
۴۵	۲. نگرش برون ذات.....
۴۵	الف. وجه مثبت.....

- ۴۷..... ب. وجه منفی
- ۴۹..... ج. وجه معتدل
- ۵۲..... ۳. نگرش درون ذات - برون ذات
- ۵۲..... الف. وجه مثبت
- ۵۳..... ب. وجه منفی
- ۵۸..... ج. وجه معتدل
- ۶۱..... ۴. نگرش برون ذات - درون ذات
- ۶۲..... د. وجه مثبت
- ۶۶..... ۵. وجه منفی
- ۶۹..... ج. وجه ابتدا
- ۸۰..... نتیجه
- ۸۳..... کتابنامه پیش نوشت

دین و اخلاق

- ۸۷..... پیش گفتار
- ۸۹..... دیباچه مؤلفان
- ۹۱..... مقدمه کلی

بخش اول: توقف شدید اخلاق بر دین

- ۹۹..... مقدمه
- ۱۱۳..... فصل اول: اخلاق امر الهی: تحلیلی مفهومی
- ۱۱۴..... نامتقارن بودن رأی توقف

۱۱۷	خداوند، سبب اخلاق
۱۱۷	خداوند، خالق خصائل اخلاقی
۱۲۱	خداوند، واضع قانون اخلاقی
۱۲۵	امر الهی، توجیه اخلاق
۱۲۹	امر الهی چونان معیار اخلاق
۱۳۳	امر الهی، به منزله معنای اخلاق
۱۳۷	امر الهی همچون خصلت ذاتی اخلاق
۱۴۴	۱. پیش‌فرض‌های لازم بودن
۱۴۶	۲. معضلات برای امر الهی به مثابه خصلت ذاتی اخلاق
۱۵۳	فصل دوم: اخلاق امر الهی، اخلاق رجنبه‌های یزدان‌شناختی
۱۵۳	مسائل یزدان‌شناختی در اخلاق امر الهی
۱۵۳	۱. مسئله خودکامگی خداوند
۱۵۶	۲. اخلاق امر الهی و نیکی خداوند
۱۶۵	مشکل خودکامگی اخلاقی
۱۷۰	روایتی معتدل از اخلاق امر الهی: مفهوم یک خدای مهربان
۱۷۶	۱. اخلاق امر الهی به مثابه بهترین نظریه فرااخلاقی
۱۸۱	۲. نقاط ضعف راه حل «خدای مهربان»
۱۸۸	بدون خداوند، همه‌کاری مباح است؟
۲۰۳	اخلاق امر الهی و آزادی الهی
۲۰۹	فصل سوم: حقایق دینی، مستلزم الزام‌های اخلاقی
۲۱۰	عالم و انسان‌ها به منزله ملک خداوند
۲۲۹	الزامی اخلاقی به انجام اراده الهی: سپاس‌گزاری

بخش دوم: توقف خفیف اخلاق بر دین

۲۳۷ مقدمه

۲۴۳ فصل چهارم: توقف شناختاری

۲۴۳ شناخت اخلاقی امری کاملاً وابسته به خداوند

۲۴۷ وابستگی شناخت قواعد اخلاقی به خداوند

۲۵۱ وابستگی شناخت احکام واقعی اخلاق به خداوند

۲۵۴ حسن، معطوفین اخلاقی

۲۵۹ نامتناهی بودن واقعیت شناختاری و توقف شدید

۲۶۹ فصل پنجم: توقف فعالیت اخلاقی بر دین

۲۷۲ خداوند، توان بخش اعمال اخلاقی

۲۷۸ حیات دینی به منزله تربیت در زمینه فعالیت اخلاقی

۲۸۵ ایمان به خداوند، عامل مشرق فعالیت اخلاقی

۲۹۱ ایمان به خداوند، مؤید عقلانی بودن فعالیت اخلاقی

۲۹۶ برخی مشکلات در تحقیق عملی

بخش سوم: منازعت میان دین و اخلاق

۳۰۵ مقدمه

۳۰۹ فصل ششم: منازعت هنجاری

۳۱۰ منازعات جدی میان دین و اخلاق

۳۱۰ ۱. منازعات واقعی بین دین و اخلاق: کی پرگارد و لیویتر

۳۱۶ ۲. منازعتی ممکن میان دین و اخلاق: موضع پسین کون

۳۲۴ منازعت، به منزله امری ظاهری

۱. رفع منازعت بر این اساس که خداوند امر نکرد.....	۳۲۵
۲. رفع منازعت بر این پایه که امر الهی از حیث اخلاق، موجه است.....	۳۳۴
الف. توجیه بنیادگرایانه اوامر خداوند.....	۳۳۵
ب. مفهوم حق ویژه خداوند.....	۳۳۸
آیا باور به نیکی خداوند، به لحاظ شناختاری موجه است؟.....	۳۴۶
فصل ششم: بین، خودآیینی اخلاقی و آموزش اخلاقی.....	
۱. بندگی، متناهی خودآیینی اخلاقی.....	۳۵۱
۲. خودآیینی اخلاقی مؤمن.....	۳۶۰
۳. نزاع نیت.....	۳۷۰
فصل هشتم: اخلاق و حیات -ینی.....	
انسان‌ها، خداوند و بندگی.....	۳۸۵
خداوند: تعالی و حضور.....	۳۹۲
آراء توقف و منازعت: نظرگاهی دیگر.....	۳۹۵
پی‌نوشت‌ها.....	۴۰۷
منابع.....	۴۲۷
نمایه‌ها.....	۴۵۰

مقدمه

دفتر تبلیغات اسلامی همواره کوشیده است برای تحقق مأموریت‌های خود که همانا تبيين و ترويج دين و آموزه‌های اسلامی است از تولید و نشر آثار علمی، تخصصی حمایت نماید. براین اساس، کتاب «دين و اخلاق» را که توسط محقق رجمنده‌ای ابراهيم رضایی ترجمه و نقد شده است، منتشر و در دسترس دانشمندان و اندیشمندان اسلامی قرار می‌دهد.

این کتاب به بررسی رابطه دین و اخلاق پرداخته و نویسندگان آن کوشیده‌اند پیوند اخلاق به عقل را بر اساسی آن بر دین ترجیح دهند و مشرب تازمائی را در این خصوص اختیار ننمایند. چون تردید نقد عالمانه محققان مسلمان و تحلیل اندیشه‌های مؤلفان این اثر می‌تواند در بسط موضوع و تدقیق پیوند دین و اخلاق مفید واقع شود.

در اینجا برخود لازم می‌دانم از مترجم محترم و همکاران دفتر تبلیغات اسلامی که برای آماده‌سازی و انتشار این اثر تلاش نمودند، تقدیر و تشکر کنم.

محمد قطبی

رئیس دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان

پیش‌نوشت مترجم

اشاره

قصه‌ها، مقدمه‌ای بنویسیم که احیاناً خوانندگان را از خواندن متن کتاب بی‌نیاز یا منصرف نکند؛ به‌ویژه آن‌که مؤلفان کتاب، افزون بر مقدمه گینس‌برگ، خود نیز در آغاز هر بخش از کتاب خلاصه‌ای مفیدی از مطالب بیان‌شده در آن بخش را ارائه کرده‌اند. باین دلیل، ضروری می‌نماید که مترجم هر کتاب بیرونی، دست‌کم انگیزه افکار خود را بر قالب مقدمه‌ای موجز و مفید بازگو کند؛ خاصه زمانی که مؤلفان اصل کتاب به جماعت اعداء تعلق داشته باشند. در این رهگذر نیز از اطالة کلام پرهیز کرده و حوصله خواننده عزیز، چاره نیست.

آوی (ابراهیم) ساگی و دانیل استاتمن، دو تن از استادان دانشگاه فلسطین اشغالی، در حوزه فلسفه تدریس می‌کنند و در این باب هم‌زمانه اند. «این حال، آشکار است که با سیاست‌های ضد بشری دولت غاصب سازگار نمی‌آیند؛ به‌ویژه آنجا که این دولت، دلیل‌ها و پشتوانه‌های مذهبی را در اتخاذ راهبردهای بی‌رحمانه خود ملاک قرار می‌دهد. کتاب حاضر، با عنوان ساده «دین و اخلاق»، در سال ۱۹۹۳ به زبان عبری نوشته شده و در اورشلیم به طبع رسیده است؛ یعنی در پایان سده‌ای که شاهد مخوف‌ترین سفاکی‌ها و تأسف‌بارترین فسادها در سراسر تاریخ بشری بوده است. سپس، باتیا اشتاین

آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده، پس از بازنگری مؤلفان اصلی، به سال ۱۹۹۵ در هلند چاپ شده است.

مؤلفان، کتاب دین و اخلاق را در سرزمینی می‌نویسند که با وجود تقدّس ذاتی خود (به واسطه وجود مسجدالاقصی)، به دلیل سیطره عناصر غرضی تبه‌اندیش و تبه‌کار بر آن، تداوم‌دهنده همان سنت تعفنّی قرن بیستم است. با وجود این، مؤلفان هرگز سعی نمی‌کنند دستور کاری خدامحورانه و دین‌محورانه از این شیوه سفاکی ارائه دهند و به هیچ وجه تقلا نمی‌کنند. آیین دینی و عقاید دینی و خردمندانه برای اعمال آخر زمانی دولت غاصب، از بطن نظریات اخلاقی برین بکشد. در این کتاب، اثری از القای نظرگاه‌های صهیونیستی، باورهای معروف یهودی و هیجانات حسیدی و قبایل آلوده به تعصب‌ها و خامی‌های قوم‌پرستی به چشم نمی‌خورد. حتی زمانی که مؤلفان، از آزمایش قربانی کردن حضرت اسحاق علیه السلام به دست حضرت ابراهیم علیه السلام سخن می‌گویند، به هیچ وجه قصد ندارند از موضع یهودیان در برابر مسلمانانی دفاع کنند که معتقدند حضرت اسماعیل علیه السلام، ذبیح الله بوده‌اند، نه حضرت اسحاق علیه السلام. مؤلفان این کتاب، به جماعت یهود تعلق دارند، ولی از چشم‌اندازهای قومی و دینی به مسائل اخلاقی نگاه نمی‌کنند و چنان‌که در پایان کتاب هم بدین مطلب تلویح نموده‌اند، تعقل و دگراندیشی دینی، محور کارشان بوده است. لازم به ذکر است که آن‌ها در اتباع این رویه، از شائبه‌های دین‌زدایی و دین‌ستیزی پرهیز کرده‌اند و به هنگام ارائه نظرگاه‌های عقلانی خود، از اقوال خاخام‌هایی بهره می‌گیرند که مواضعی غیربنیادگرا و غیرانحصارطلب اتخاذ نموده‌اند.

بی‌گانه نیست پیش از اظهار نظر درباره سخنان و مواضع مؤلفان، نگاهی به عقاید دینی و قومی و تاریخ بنی‌اسرائیل بیفکنیم تا ببینیم ریشه آن نژادپرستی مذهبی که دست‌مایه افساد غاصبان فلسطین است، در کجا قرار دارد.

اصول و احکام دین یهود

پیش از ورود به کاپیات، قومی، ضروری می‌نماید سیزده اصل اعتقادی دین یهود را عنوان نمایم که در بدن‌ها کالبد ایمانی یک یهودی را شکل می‌دهد. این اصول، به نقل از کتاب نمازهای یومیه یهود موسوم به «سیدور یشاریم»، به‌طور خلاصه، چنین هستند:

- (۱) خداوند در همه‌جا حضور دارد. (۲) خداوند، یکتاست. (۳) خداوند، جسمانی نیست و بدن شاهی ندارد. (۴) خداوند، قدیم‌القدماء و ازلی است. (۵) عبادت هیچ موجودی غیر از خداوند، جایز نیست. (۶) خداوند، از نیات و افکار همگان آگاه است. (۷) نبوت حضرت موسی علیه السلام حق است. (۸) حضرت موسی علیه السلام بر همه انبیاء بنی‌اسرائیل تقدم دارد. (۹) تورات، وحی خداوند است. (۱۰) تورات، تغییر نیافته است و تغییر نخواهد یافت. (۱۱) خداوند، اشرار را مجازات خواهد کرد و امیار را پادشاه خواهد داد. (۱۲) ماشیح پادشاه (مسیح موعود) ظهور خواهد کرد. (۱۳) مردگان، عاقبت، زنده خواهند شد.

به هر فرد یهودی توصیه شده است که این اصول را هر صبح‌گاه همراه با نماز صبح یا «شحریت» بخواند و مرور کند (سیدور یشاریم، ۱۳۸۲: ۲۴۲).

چنان‌که مشهود است، اصول اعتقادی دین یهود، به‌عنوان یک دین ابراهیمی، بر سه پایه توحید (شش اصل نخست)، نبوت (چهار اصل بعد) و معاد (سه اصل آخرین) قرار دارد؛ ضمن این‌که باور به ظهور مسیح منجی، در میان قوم، از قوت زیادی برخوردار بوده است.

از سوی دیگر، لوح «احکام عشره» یا «ده فرمان»، منبع جمیع احکام تورات است (خروج، ۱۷-۲۰ و تثنیه، ۲۱-۵: ۵). ده فرمان الهی از ۶۱۸ حرف تشکیل شده است که از آن میان پنج حرف، خود را کنار می‌کشند تا ۴۱۳ حرف بمانند. این عدد، حاصل جمع عدد ۳۶۵ و عدد ۲۴۸ است. مطابق با یک اقصاء دقیق فقهی، عدد ۳۶۵ هم نشان‌دهنده تعداد ایام سال شمسی است و هم برابر با شمار احکام سلبی تورات؛ درحالی‌که عدد ۲۴۸ که معرف تعداد اعصای بدنی آدمی است، برابر است با شمار احکام ایجابی تورات (M'shnah Torah, Int, 45). بنابراین، احکام متکثر و منتشر تورات، از حروف مقدس لوح ده فرمان نشأت یافته‌اند و باور به ده فرمان و ادای آن‌ها، باور و ادای تمام احکام تورات را دربردارد.

کتاب موثق دین یهود

قوم بنی‌اسرائیل، از زاد و ولد دوازده فرزند حضرت یعقوب علیه السلام، مشهور به اسباط بنی‌اسرائیل، به‌وجود آمده‌اند. شجره‌نامه حضرت یعقوب علیه السلام تا حضرت نوح علیه السلام، بر این ترتیب است: یعقوب علیه السلام پسر اسحاق علیه السلام، پسر ابراهیم علیه السلام، پسر تارح، پسر ناحور، پسر سروج، پسر رعو، پسر فالج، پسر عابر، پسر ارفکشداد، پسر سام علیه السلام، پسر نوح علیه السلام.

مطابق با هگاد، کتاب اساطیری - مذهبی بنی اسرائیل، سهم این قوم از زمین، «ارض مقدس» است؛ جایی که فلسطین نامیده می‌شود و اورشلیم، شهر «نور» و «سلام» در آن واقع شده است. هگاد، کتابی است مشتمل بر تمام داستان‌های عهدعتیق، همراه با شماری از نکات تأویلی و دقایق عرفانی و نیز حکایاتی که عهدعتیق، از در تلخیص، بدان‌ها نبرداخته است.

این گواه، افزوده شده، بعینه، از کتاب جامع زوهر نقل شده‌اند؛ کتابی مشروح که با ابتناء بر علم الحروف و مکاشفات عرفانی، شرح و تفسیری دقیق و موثق فانه از عهدعتیق ارائه می‌دهد. معارف یادشده، آموزه‌های اصلی طریقت قبلاست. به تویی، حضرت موسی علیه السلام معلم تورات‌اند و ایلای نبی علیه السلام مدرّس قبلا (Haggadah, vol. 1, p. 171). به گواه مؤلف زوهر، موسی دی لئون (قرن پانزدهم میلادی)، و زل هگاد، طرائف و ظرائف زوهر، از زمره اسراری است که حضرت موسی علیه السلام در چهل شبانه‌روز خلوت با خداوند در کوه طور، به منزله مکنونات سری دینی به دیگر کتب شفاهی فقهی یعنی میشنا، تلمود، گمارا، میدراشیم و هگاد از جانب خداوند دریافت نمود. این اسرار که به «تورات شفاهی» مشهورند، سینه به سینه از حضرت موسی علیه السلام تا ادوار بعد انتقال می‌یابند (Thaya, Leo, 1971, 19). این در حالی است که خود عهدعتیق، مشتمل است بر سه بخشی «تورات نبی» (حاوی ۳۹ جزء)، یعنی مجموعه‌ای شامل اسفار پنج‌گانه موسی علیه السلام (اسفار «تکوین»، «خروج»، «لاویان»، «اعداد»، «تثییه» که دربردارنده همیشه خومشی تورا یا ۵۵ دستور است)، ۲۱ نوشته از آن پیامبران یا مجموعه نبوی (به معنای «انبیاء» و دربردارنده «یوشع علیه السلام»، «داوران»، «اول

سموئیل علیه السلام، «دوم سموئیل علیه السلام»، «اول پادشاهان»، «دوم پادشاهان»،
 «اشعیاء علیه السلام»، «ارمیا علیه السلام»، «حزقیال علیه السلام»، «هوشع علیه السلام»، «یوئیل علیه السلام»،
 «عاموس علیه السلام»، «عوبدیا علیه السلام»، «یونس علیه السلام»، «میکاه علیه السلام»، «ناحوم علیه السلام»،
 «حَبَقُوق علیه السلام»، «صَفْنِیَا علیه السلام»، «حَبَّی علیه السلام»، «زکریا علیه السلام»، «ملاکی علیه السلام» و
 ۱۳. ساله خِتوریم (به معنای «مکاتیب» و دربردارنده «اول تواریخ»، «دوم
 تواریخ»، «مزاسیر»، «ایسوب علیه السلام»، «امثال»، «روت»، «غزل غزل‌ها»،
 «جامعه»، «رائی ارمیا علیه السلام»، «استیر»، «دانیال علیه السلام»، «عزیر علیه السلام»،
 «نخمر»).

این مجرمة کتب، به واسطه سه حرف ابتدایی بخش‌های سه گانه خود،
 یعنی تورات، نوی ایرو و سوت، بهم با عنوان اختصاری کَنخ نامیده می‌شود.
 بنابراین، به نحو خاص، زوهره به رنده اسرار باطنی کتاب مقدس است؛
 درحالی که دیگر کتب آیینی یهود، جنبه بیرونی و روایی دارند؛ درعین حالی که
 میان این دو سنت ظاهری و باطنی، اختلاف حاد نیست.

حکایت اقوام

به نقل هگادا، در سال ۱۵۶۹ پس از خلقت، حضرت نوح علیه السلام در حضور یک
 فرشته و بر شیوه قرعه، سراسر زمین را بین سه فرزند خود تقسیم می‌کند و
 پس از آن، زبان و خط را.

طی این تقسیم که سال‌ها پس از وقوع توفان انجام می‌شود، ۴۴ منطقه،
 ۳۳ جزیره، ۲۲ زبان و پنج طرز نگارش به «یافت» پسر آخر می‌رسد. یافت،
 پدر اقوام آریایی، ترک و چین و ماچین است. ۳۴ منطقه، ۳۳ جزیره، ۲۴ زبان

و پنج طرز نگارش به «حام» پسر میانی می‌رسد. او پدر بابلیان، مصریان، فلسطینیان و سیاه‌پوستان است. ۲۶ منطقه، ۳۳ جزیره، ۲۶ زبان و شش طرز نگارش به «سام» پسر ارشد می‌رسد. سام، پدر اقوام آشور، عیلام، عرب و یهود است.

مطابق این تقسیم، اراضی گرم جنوب خط استوا، سهم حام‌زادگان می‌شود و اراضی خرم، سرد و وسیع شمال خط استوا به یافت‌زادگان تعلق می‌یابد، در حالی که اراضی قدس و معتدل میانه زمین، مانند کوه صهیون و کوه سینا، به سام‌زادگان سپرده می‌شود (ibid, Vol. 1, IV). به اعتقاد یهود، شیتی‌یا، سنگ بنای خلقت، در آن جا قرار دارد (ibid, I)؛ دقیقاً همان باوری که مسلمانان درباره کعبه و زمین بطح دارند. بر این کوه است که آدم علیه السلام قربانی خود را به عنوان کفاره گناه خوراک درخت ممنوعه تقدیم خداوند می‌کند و هابیل و قابیل نیز بر همین کوه است که قربانی‌های خود را تقدیم می‌نمایند. حضرت نوح علیه السلام نیز، بعد از پایان توفان و فروانگشتی، در همین مکان قربانی‌های خود را به خداوند پیشکش می‌کند. هرگز بر این، حضرت سام علیه السلام و عابر (نتیجه سام علیه السلام و پدر اعراب و یهودیان، در حدیث و تفاسیر کوه موریاء، به اعتکاف و عزلت از خلق اشتغال داشتند و هم اوست که با اسم «ملکی صدیق»، پادشاه سالیم و کاهن خداوند متعال، حضرت ابراهیم علیه السلام را پس از پیروزی در جنگ با «چهار پادشاه» برکت می‌دهد و حضرت ابراهیم علیه السلام نیز در برابر، معشار غنایمی را که به دست آورده است، تسلیم او می‌کنند (ibid, V).

با وجود این تقسیم صریح، نوادگان حام و به ویژه تیره کنعانیان، از همان

آغاز، بنا می‌کنند به تعدی از مرزهای مقسوم خود و سکونت در ارض مقدّس؛ زیرا سهم مقدّس سامیان، در میان اراضی متعلّق به حامزادگان قرار داشت. بنابراین، خصومت سامیان و حامیان، از این‌جا آغاز می‌شود و از همان ابتدا، این خصومت، نیمی مذهبی و نیمی نژادی است؛ مذهبی است، زیرا سه سامیان از زمین، مکانی مقدّس و معلاست و وظیفه وجودشناختی ایشان آن است که در این مکان به اقامه طاعات و تکلیفات آیینی بپردازند، و نژادی است، چون تبار عبرانیان تعلّق دارد، نه به تبار حامیان یا یافتزادگان.

باز می‌گوییم، کتاب زوهر، این کتاب تأویلی، به‌نحو خاص، شرح مناسبت مابین الحییم میان ده اسم الهی (سیفیروت که عبارت‌اند از تاج، حکمت، تدبیر، احسان، زنا، حُسن، نصر، جلال، بنا و ملکوت (Shaya, 21)) و مخلوقات عالم و کلمات عهد است. در باب رابطه میان این اسماء و اقوام انسانی، مطلب جالبی در این کتاب مطرح می‌شود. بنا به تقسیم‌بندی اسماء در زوهر، برخی از اسماء ده‌گانه را جمله اسماء جانب راست (اسماء لطف آمیز)، برخی دیگر در زمره اسماء جانب چپ (اسماء قهر آمیز) و برخی دیگر جزو اسماء میانه (اسماء متعادل) عنوان شده است.

این شیوه، در همه عرفان‌های موثق جهان سابقه دارد، چنان‌که در عرفان اسلامی، اسماء الهی را به دو نوع جلالی و جمالی یا قهر و لطف و اسماء جامع چون الله و سبحان تقسیم می‌کنند. به گفته زوهر، هابیل از مظاهر اسماء جانب راست است، قایل مظهر اسماء جانب چپ و حضرت شیث عليه السلام مظهر اسماء میانه که برآیند جلال و جمال‌اند. تداوم نسل انسان به یمن تعادلی ممکن شد که در وجود حضرت شیث عليه السلام تجلّی یافت؛ درحالی‌که از هابیل و

قابیل اخلاقی باقی نماند؛ زیرا در وجود آن دو، میان صفات جلال و جمال تعادلی برقرار نشده بود (Zohar, Bereshit B, 60).

نکته در این جاست که مطابق با این گونه تناظر، سام عليه السلام، مظهر اسماء جانب راست، حام مظهر اسماء جانب چپ و یافت مظهر اسماء میانه معرفی می‌شود اما در این جا وضع با مورد قبلی تفاوت دارد (ibid, Noah, 36). حام به جانب چپ تعلق دارد؛ زیرا ملعون است. او در خلال توفان، به‌رغم فرمان خداوند، ی. ا. کتاب از مقاربت جنسی، با همسر خود نزدیکی کرد، به کیفر رسید و عقاب سیاه پوست شدند (Haggadah, Vol. 1, IV). دیگر بار، او و پسرش نوح، به سبب دیدن برهنگی پدر ملعون شدند. در مقابل، سام عليه السلام، یعنی جانب راست، برکت گرفت و یافت یا وجه میانی در برکت او شریک شد (سفر تکوین، تراز ۹).

دشمنی با مسلمانان نیز ریشه در همین اختلاف نژادی دارد. طبق روایات یهود، حضرت اسماعیل عليه السلام (پسر ارشد حضرت اسماعیل عليه السلام) که سیزده سال پیش از حضرت اسحاق عليه السلام به دنیا می‌آید و زادهٔ هاجر، کنیز مصری است، با برادر خود ناسازگاری دارد. در واقع، مادر حضرت اسماعیل عليه السلام ناسازگاری است. بنابراین، دومین دشمن نژادی بنی اسرائیل تشکیل می‌شود؛ یعنی نوادگان حضرت اسماعیل عليه السلام. پس از تولد توأمان حضرت یعقوب عليه السلام و برادرش عیسو و در پی تعلق برکت نبوت به حضرت یعقوب عليه السلام (سفر تکوین، ۲۹ و ۲۸: ۲۷)، سومین دشمن نژادی بنی اسرائیل نیز پدیدار می‌شود؛ یعنی نوادگان عیسو که از سویی رومیان‌اند و از سویی دیگر عمالقه که با کنعانیان در تصرف اراضی مقدس اشتراک دارند. بنابراین، به باور یهودیان،

رومیان نیز از نژاد سام و به طور خاص از اعقاب عیسو، برادر حضرت یعقوب علیه السلام هستند (Haggadah, Vol. 1, VI)؛ هرچند زمین روم، درست زمانی آغاز به شکل گیری می کند که حضرت سلیمان علیه السلام در شب تبرک معبد، دختر فرعون مصر را به نکاح خود در می آورد و درست به همین دلیل

است که تقدیر خداوند، به ویرانی معبد تعلق می گیرد (ibid, Vol. 4, V).

لازم به ذکر است که منفور بودن حامیان و دشمن داشتن اسماعیلیان و رومیان به سبب آن رذائل اخلاقی و مذهبی ای است که به این سه دسته نسبت داده می شود؛ مثل شرک و شهوت به حامیان، رذائل غضب و خرق (ضد «رفق») به اسماعیلیان، رذائل دنیا دوستی و تغلب به رومیان نسبت داده می شود. این در حالی است که بنی اسرائیل، در هر پادشاهی که سکنی می گیرند یا به تبعید می روند، آن پادشاه به اشراف و سلطنت بر جهان دست می یابد. با ویران شدن معبد سیم علیه السلام به دست بابلیان و به اسارت رفتن قوم در بابل، نبوکدنصر، پادشاه بابل بر تمام جهان حاکم می شود. با آغاز فتوحات کوروش پارسی و حمله او به بابل، سقراط بابلیان، بنی اسرائیل از بردگی حام زادگان بابل نجات می یابند و وارد سرزمین نوادگان یافت می شوند تا ایشان نیز به سلطنت بر تمام عالم دست یابند. پس از تسلط یونانیان بر بنی اسرائیل، اسکندر مقدونی به حکومت بر تمام افق دست می یابد و با سیطره اسلام بر بیت المقدس، مسلمانان، به یگانه بر قدرت جهان تبدیل می شوند. این، به سبب برکت و فضلی الهی است که در قوم بنی اسرائیل جریان دارد و موجب می شود که با مزیت خود، سرزمین ها و قلمروهایی را به برتری برساند که آن را در بر می گیرند. اما این اسارت، همچنان ادامه خواهد داشت تا این که ماشیح یا مسیح موعود ظهور کند و قصه اسارت آن ها را پایان دهد.